



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

17

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

1386 30 شهریور 2007 - 19 سپتامبر 2007 e.mail: siavash\_d@yahoo.com

سردبیر: سیاوش دانشور



گوشه هایی از پیشرفت کمپین "علیه اعدام - علیه رژیم صد هزار اعدام"

یک دنیای بهتر: کمپین ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام، روز جهانی علیه رژیم ۱۰۰۰۰۰ اعدام در چه موقعیتی قرار دارد؟

علی جوادی: این کمپین اکنون ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. فضای سیاسی جامعه بطور قابل مشاهده ای نسبت به این مساله حساس شده است. برخی از احزاب و جریانات و محافل سیاسی بطور رسمی به این کمپین پیوسته اند. تظاهراتی و اعتراضاتی در شهرهای مختلف اروپا فرخوان داده شده است. در ایران ما شاهد تحرکی سیاسی در میان فعالین سیاسی و همچنین افکار

صفحه 5

## یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

### ایران خودرو، قتلگاه کارگران

یک کارگر دیگر، علی امامی، در سالن پرس به قتل رسید. روز دوشنبه 26 شهریور حوالی عصر، علی امامی بین دستگاه قالب گیر کرد و بلافاصله جان باخت. این دومین قتل تنها در بیست روز گذشته در این شرکت است! حوادث محل کار در جهان هر روز به اندازه یک جنگ وسیع از کارگران قربانی میگیرند. این جنگ ظاهرا اعلام نشده، روزنامه ها فتوحات و شکست سپاهیان را منعکس نمیکنند. اما یک جنگ واقعی است که طبیعت اش چیزی نیست جز بردگی کارگر. سرمایه داران سودشان و نرخ استثمارشان، بویژه در ایران، تا آن حد بالا هست که ایمنی محیط کار را افزایش دهند و از مرگ کارگران در "سوانح کار" جلوگیری کنند. چرا نمیکنند؟ هیچ عاملی جز ارجحیت سود به جان آدمی توضیح دهنده این جنایت نیست. این درست است که هیچ دادگاهی سرمایه را بخاطر قتل کارگران در محیط کار محاکمه و تحت پیگرد قرار نمیدهد، که اینهم سند دیگری بر جوهر ضد کارگری قوانین و حقوق است، اما چه کسی نمیداند که قاتلین عالیجنابان صاحب سرمایه و سهام در این شرکت و شرکتهای مشابه اند؟

کارگران ایران خودرو و طبقه کارگر ایران لازم است حول این "قتلهای زنجیره ای" محل کار اقدامی صورت دهند. اگر کاری نکنیم، چرخه قتل در محیط کار ادامه خواهد یافت. ایمنی محیط کار جزو ضروریات کار طبقه کارگر است. محیط کار نباید قتلگاه کارگران باشد. میتوان این وضعیت را تغییر داد. به خانواده و بازماندگان و همکاران علی امامی و طبقه کارگر این فاجعه را تسلیم میگویم.\*

## هیئت دائر دفتر سیاسی

### پاسخ میدهد؛

\* موضع حزب حکمتیست در  
باره کمپین 10 اکتبر

\* در باره فرهنگ جدید در میان  
برخی اعضای حزب کمونیست  
کارگری و حزب حکمتیست

صفحه 6

"ایا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید، تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلا د سردهم، همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران، جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کنرل مارکس

**10 اکتبر**  
روز جهانی  
علیه رژیم  
100000  
اعدام  
www.for-abetterworld.com  
2007

## ایران خودرو قتلگاه کارگران است!

سرمایه داری قاتل واقعی کارگران است!

صفحه 5

## تاریخ شکست خوردگان!

در حاشیه سخنان سازگارا

کامیار آزادمهر

صفحه 10

## در باره تشکلهای کارگری و مبرمیت جنبش مجمع عمومی



نسرین رضاعلی - سیاوش دانشور

صفحه 2

گزارش اعتصاب صنعتگران و  
هنرمندان صنایع دستی در بازگشایی  
نمایشگاه سراسری صنایع دستی کشور  
در مشهد

صفحه 4

در صفحات دیگر؛ علیه فتوای اسلاميون، نامه ها، ... و ستون آخر.

## در باره تشکلهای کارگری

## و میریت جنبش مجمع عمومی

نسرین رضاعلی - سیاوش دانشور



است. بنابراین تشکل مستقل کارگری، در شکل رسمیت یافته آن، و ایفای نقش در سوخت و ساز سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر، تنها زمانی ممکن است که با سرمایه داران بصورت دوافکتو ناتوان از مقابله با آن باشند و یا سببه پر زور جنبش کارگری طی دوره ای از مبارزات آن را به سرمایه داران و دولت شان تحمیل کرده باشد. در غیاب چنین اوضاعی، و در شرایطی که رسماً و قانوناً اعتصاب و تشکل غیرقانونی است، اشکالی از تشکل کارگران امکان دارد که با تناسب قوای موجود ظرفیت رشد و گسترش داشته باشد و در عین حال اختناق قادر به پس زدن آن نباشد. علیرغم غیرقانونی بودن اعتصاب و تشکل کارگری، همانطور که اعتصاب **به وفور** صورت

میگیرد، اشکالی از تشکل کارگری هم میتواند **به وفور** وجود داشته باشد. فعال و رهبر کارگری تنها وقتی میتواند کارگر را بیدار بکشد و بدرجه ای تشکل و توان تشکلش را نگاه دارد و حتی ارتقا دهد، که دقیقاً روی محوریتین خواست و اعتراض کارگر در همان روز و مقطع معین متکی میشود. خواستی که کل کارگران را به میدان میکشد و رودروی کارفرما و سرمایه دار و دولت قرار میدهد. تشخیص سوال و سطح مبارزه کارگر در یک محیط کارگری معین و یا حتی صنایع معین- و نه سطح مبارزه طبقه کارگر بطور کلی- و یا تشخیص درد عمومی جنبش کارگری، و مقبولیت و مشروعیت و حق بجانب بودن آن در میان کارگران، اینها یعنی تشخیص امکان و پتانسیل به صحنه آمدن توده طبقه کارگر. آنچه کارگر را بطور اتومات وارد صحنه نبرد برسر حقوق خویش میکند متنی است که مبارزه و اعتصاب را موجب میشود و متنی است که رهبر کارگری میتواند برای **متشکل کردن و متشکل نگاه داشتن** کارگر تلاش کند.

## مجمع عمومی

ظرفی که بتواند این پتانسیل اعتراضی را

کارگران شدند! این بحث حتی فراموش میکند که تحزب یک پایه اساسی تشکل پیشروان طبقه است. برخی نیز مستقیماً و تلویحاً صورت مسئله را خط میزنند و غیر ممکن بودن ایجاد تشکل در شرایط کنونی طبقه کارگر را نتیجه میگیرند. موانعی را برمی شمارند و عملاً تشکل ناپذیری کارگر را نتیجه میگیرند. بخشی نیز برون رفت از این وضعیت را اتحاد گرایشات و گرفتن مخرج مشترک و جمع شدن حول مینیم ها را راه درستی میدانند.

به نظر ما دلایل اینکه کارگران تاکنون به تشکل دست نیافته اند هیچکدام از اینها نیست یا لاقلاً اینها عوامل اصلی عدم موفقیت تلاشهای تاکنونی نبودند. منظور از عدم موفقیت بی ارج کردن و تاثیرات فعالیت تاکنونی و حتی پیشرویهایی مبتنی به این فعالیتها نیست، مسئله عدم ایجاد تشکلی در میان کارگران و تحمیل آن به دولت است. در کشورهایی مانند ایران، که اختناق و سرکوب عریان و ارزان نگهداشتن نیروی کار شرط سرپا نگهداشتن سرمایه داری است، تشکل کارگری و رسمیت داشتن آن از جانب دولت، هر دولتی، تابعی از تناسب قوای سیاسی است. این یعنی تشکل کارگری از فلان دریچه ای که قانون کار باز کرده و یا فلان مقاله نامه ای که دولت اسلامی امضا کرده در نمی آید. هشتاد درصد دولتهای جهان که خود را متعهد به بیانیه حقوق بشر و کنوانسیونهای ملحقه آن میدانند، در عمل نه فقط به آن پایبند نیستند بلکه بطور خشن آن را زیر پا میگذارند. تلاشهای قانونی و دیپلماتیک هم جوابی نمیدهد. دلیل اساسی آن اینست که دوره امروز کل نرهمای سابق را زیر سوال برده و خود همین نهادها و میثاقهای جهانی نیز مورد مناقشه

مرزبندیها و برخوردهای ایدئولوژیک و روشهای اساساً غیر طبقه‌ای میگذریم. هدف عمومی و اعلام شده یک خواست ساده و قدیمی یعنی حق تشکل کارگری بود. هدف این بود که نهادهای دولتی و پلیسی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی بجای کارگر و نمایندگان واقعی اش در تعیین دستمزدها و مسائل روز کارگران تا "نماینده‌گی" طبقه کارگر ایران در نهادهای جهانی کارگری نشینند. هدف این بود و هست که مبارزه کارگری و روشها و اشکال آن، به اهداف آتی و آتی طبقه کارگر و اتحادش کمک کند و تسهیل کننده آن باشد. حاصل ایندور تلاش فعالین کارگری شکلگیری کمیته پیگیری و بعد کمیته هماهنگی، جمعها و نشریات مختلف، و نهایتاً شورای همکاری تشکلهای کارگری بود. تشکیل اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی، و همینطور تجربه تلاش برای بازگشائی سندیکای واحد و کلا خط مشی سندیکالیستی برای ایجاد تشکل کارگری را هم داریم. این تلاشها، با تمام جنگ و گریز و دستگیری ها و بحث و جدل و جدائی و نزدیکی، هنوز به یک تشکل کارگری تثبیت شده منجر نشده است. عبارتی دیگر صورت مسئله تشکل کارگری هنوز سرچایش است. همین موضوع و چرایی آن نیز مورد بحث است. عده ای میگویند سکتاریسم و فرقه گرایی در جنبش کارگری مانع تشکل یابی است. تردیدی نیست که فرقه گرایی و سکتاریسم دشمن جنبش کارگری است اما چرا فعالین کارگری دچار سکتاریسم شدند؟ عده ای بحث را تا دوره دیدگاههای عهد بوق و تقابل "روشنفکر- کارگر" میبرند. عده ای نیز پایه اساسی همین دیدگاه را میگیرند و آنتی تحزب را در میان کارگران تبلیغ میکنند. گویا کارگران در موقعیتی قرار گرفتند که میتوانند آزادانه عضو احزاب کارگری شوند و احزاب کارگری مانع وحدت و همبستگی طبقه‌ای

تلاشهای سالهای اخیر فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری باید صمیمانه مورد بررسی قرار گیرد. دستاوردهای آن تثبیت شود و موانع همانطور که هستند شناخته شوند و برای پیشروی جنبش کارگری پاسخهای روشن و عملی و ممکن در تناسب قوای امروز داده شود. هدف این مطلب کوتاه وارد شدن به معضلات تاریخی جنبش کارگری ایران، فاکتورهایی که مانع ایجاد سازمانهای کارگری شدند، و حتی نقد موضوعی گرایشات امکانگرا، قانونگرا، سندیکالیست و غیره نیست. هدف برجسته کردن مکان مجمع عمومی کارگری بعنوان تنها راه دخالت واقعی توده طبقه کارگر در تلاش روزمره برای دفاع از موجودیت خود است. در مورد مجمع عمومی و جوانب ریز کار آن باید در شماره های بعدی نشریه صحبت کنیم. اینجا به تاکیداتی کلی در شرایط موجود جنبش کارگری و سطح تشکل آن اکتفا میکنیم. سیاست مجمع عمومی، علیرغم مرزبندی سندیکالیستها و تفاسیر تقلیل گرایانه برخی فعالین کارگری از آن، تنها سیاسی است که میتواند دستاوردهای تاکنونی جنبش کارگری و اهدافی را که فعالین و رهبران عملی کارگری بویژه در زمینه تشکل کارگری دنبال میکردند، ارتقا دهد و به واقعیت نزدیک کند.

چند سال گذشته همراه با حضور قویتر جنبش کارگری، فعالین و رهبران عملی تلاشهای متعددی کردند که در ثقل همه آنها تشکل مستقل کارگری قرار دارد. تشکل مستقلی که قرار است منافع کارگر را در تقابل با دولت و سرمایه داران نمایندگی کند و در مقابل سیاستهای جریانات حکومتی در میان کارگران بایستد. فعلاً از مباحث تاکنون صورت گرفته، تقابلهای واقعی و مصنوعی،

## در باره تشکلهای کارگری...

آزاد کند، ظرفی که ساده و عاری از بحثهای کلیشه ای است، ظرفی که توده کارگر را مستقیماً در امر عمومی اش شریک میکند، ظرفی که میتواند در مقابل بورکراسی و مناسبات اربابی و فرقه ای و غیره در میان کارگران بایستد، **مجمع عمومی خود کارگران** است. اولین خاصیت مجمع عمومی اینست که کارگر اختیارش را به کسی نمیدهد. اگر نماینده و یا نمایندگانی انتخاب میکند براساس توافق و اراده جمع و برای اهداف مشخصی انتخاب میکند و بعداً میخواید نتیجه را از همان مکانیزم بشنود. خاصیت دیگر مجمع عمومی آموزش کارگر و تضمین دخالتگری مستمر کارگر برای منافع واقعی خویش است. کارگر در مجمع عمومی و اعتصاب قدرتش را درمی یابد و در انفراد و انتظار ضعف اش را. خاصیت دیگر و مهمتر مجمع عمومی امنیت رهبر کارگری است که نیروی توده کارگر را پشت سر خود دارد. سنت مجمع عمومی در میان طبقه کارگر ایران که تجربه شوراهای کارگری دوره انقلاب ۵۷ را دارد قدیمی است. در دو دهه گذشته و بویژه در سالهای اخیر نیز مجمع عمومی یکی از ارکان اعتراضات و مبارزات کارگری بوده که توده کارگران وسیعاً در آن شرکت داشته اند. با اینحال سننهای اجتماعی اتومات منتقل نمیشوند، باید به کار گرفته شوند و تحکیم و تثبیت شوند.

مجمع عمومی مهمترین تشکل و **ممکن ترین تشکل کارگری** در شرایط حاضر است. نه نیازی به اجازه و ثبت دارد و نه هیچ فرمول غامض و اساس نامه ای میخواید. کارگر به هر دلیل که تشخیص میدهد منافعش در خطر است در صحن کارخانه، در غذاخوری و غیره مجمع عمومی میگیرد. تصمیم میگیرد و برای اجرای تصمیماتش نمایندگانش را انتخاب

میکند. مجمع عمومی در دوره اعتصاب بیشترین قابلیت را دارد چون کارگران دسته جمعی میتوانند در هر مورد سیاست و تاکتیک شان را تعیین کنند و متحدانه پشت آن بروند. تجارب مجمع عمومی در ناساجیهای کردستان در متن اعتصاب نمونه بسیار ارزنده ای است.

## مجمع عمومی منظم

**تشکیل مجمع عمومی بطور منظم یعنی تحمیل تشکل کارگری.** اگر واقعا کسی دردش متشکل کرده فوری کارگران در مقیاس وسیع و سراسری است، مبرمترین کارش در شرایط امروز تلاش برای تشکیل مجامع عمومی کارگری بشکل منظم و تبدیل آن به یک سنت قوی و کارا در جنبش کارگری است. وجود یک جنبش مجمع عمومی کارگران در متن هر اعتراض و اعتصاب، پایه اصلی وجود یک جنبش شورائی کارگری فردا است. مجامع عمومی کارگری امروز با هر تغییر تناسب قوا به نفع کارگران میتوانند فوراً به شوراهای کارگری تبدیل شوند. شورای کارخانه متکی به مجمع عمومی است و مجمع عمومی رکن اساسی شورای کارگری است. شورا یعنی مجمع عمومی دایر. بنابراین اگر فعالین کارگری میخوایند در شرایط و تناسب قوای امروز امر تشکل کارگری را پیش ببرند و کارگران را متشکل کنند، راهش کردن فعالین کارگری از محیط طبیعی شان و متشکل کردن در نهادهای بیرون موجودیت واقعی طبقه نیست. این روش سازمانهای چریکی و غیر کارگری قدیم بود که کارگر را از محیطش میکند و در هسته ها و جمعهای متشکل میکرد که از کارگر و اعتراض کارگری بریده میشد. محافل و جمعهای رهبران و فعالین کارگری همیشه و همواره وجود داشتند و وجود خواهند داشت. اما کار رهبر عملی و فعال کارگری در محیط کارگری، یعنی محل کار و محل زندگی کارگران است. امر متشکل کردن کارگر در این

محیطها صورت میگیرد. ما با اشکال مختلف جمع شدن کارگران دور هم و به بهانه های مختلف نه فقط ابرادی نمیبینیم بلکه آنرا جزئی از تلاش اجتماعی کارگران میدانیم. اما اگر امر تشکل کارگری را به گلگشت و جمع شدن در کمیته های مختلف و نهادهای که توده کارگر به آن ربطی ندارد تنزل دهیم، مستقل از هر نیت خیر و تلاش شبانه روزی فعالین کارگری، این تلاشها به بن بست میرسد و کمکی به سازمانیابی کارگری و افزایش قدرت و توان کل طبقه در مصافحایش نمیکند. نفس اینکه کمیته ها و نهادهای موجود، علیرغم بحثها و فضائی که ایجاد کردند و دخالتهای مثبت و پیشرونده ای که در آکسیونها و مناسبتهای اول مه داشتند، در مورد هدف اساسی شان یعنی ایجاد تشکل کارگری موفق نبودند، فعالیت به روشهای سنتی و عدم اتکا به توده کارگر و اعتراض کارگر در محیط کار و زندگی اش است.

طبقه کارگر در مختنق ترین جوامع درجه ای از تشکل و سوخت و ساز درونی را دارد. اعتراضات و اعتصابات متکی به این مکانیزمهای اجتماعی درون طبقه اند. فعال کارگری و سیاست سازماندهی کارگری نمیتواند خود را از این داده های اجتماعی منفک کند. طبقه کارگر را میتوان در ظرفیتهای متعددی سازمان داد و متشکل کرد. در وضعیت و شرایط امروز که کار پیمانی و قراردادی، فقر مطلق و بقول خودشان شدید گلوی کارگر را میفشارد، اعتراض کارگر با تمام موانع و محدودیتهای ایجاد شده پتانسیل بسیار بیشتری دارد. رشد خودآگاهی و تشکل کارگر محصول این اعتراض و متکی به آنست. ممکن است کارگران در مقیاس کمتری در مراسمها و یا مناسبتهای خاصی شرکت کنند اما در ابعاد هزاران نفره و برای مسایل واقعی شان اعتراض میکنند. سیاست آکسیونی کردن

اعتراض کارگری، برخلاف طبیعت اعتراض کارگری که خصلتی بیوقه دارد، دور شدن از مکانیزمهای اعتراضی طبقه است. معضل بیکاری و تشکل بیکاران اگر به معضل طبقه و مبارزه بخش شاغل طبقه گره نخورد، سرنوشتی جز تحلیل رفتن و نهایتاً ناامیدی کارگران را بدنبال ندارد. کارگری که محتاج نان شب است هر روز نمیتواند به جلسه و گلگشت و غیره بیاید. کارگری که دو شیفت کار میکند و هنوز نمیتواند حداقل زندگی اش را تامین کند نمیتواند به ایجاد کمیته ای از فعالین کارگری دل خوش کند. کارگر آنجا احساس قدرت میکند که برای منافع اش در میدان است و مستقیماً دخالت و اعتراض میکند. کارگری که از یک مبارزه پیروز بیرون می آید امیدوارتر، متشکل تر، و خوشبین تر است و ارزش وحدت و انسجامش را بیشتر درک میکند. کارگری که زیر منگنه اختناق و فقر گیر کرده است آنجا میتواند حضور یابد و به اصطلاح مایه بگذارد که همه دردمان را فریاد میزنند. سطح مبارزه و تشکل طبقه به این اعتراض همیشگی و بیوقه متکی است و محیط این اعتراض کارخانه ها و محلات کارگری است. نقطه شروع تشکل توده ای طبقه کارگر همینجاست و تشکل مجامع عمومی کارگری هم اساساً همینجاست. بنابراین نه باید مجمع عمومی را بنا به "واقعگرایی" و "مرزبندی با آرمانخواهی" موکول به محال کرد. برای تشکلهای که بروشهای سندیکالیستی اداره میشوند و اساساً **دخالت مستمر** توده کارگران در آن موضوعیتی ندارد، البته مجمع عمومی منظم هم ضرورتی ندارد. اما برای کارگری که از سر اجحاف و تعدی کارفرما و برای خواست اساسی و فوری اش اعتراض دارد؛ مجمع عمومی مثل اکسیژن لازم است.

برای کارگر سوسیالیست که وجود نظام منحت سرمایه داری را مسبب تمام مشقات جامعه میبیند،

**مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم توده کارگران!**

## گزارش؛ اخبار اعتصاب صنعتگران و هنرمندان صنایع دستی در بازگشایی نمایشگاه سراسری صنایع دستی کشور در مشهد

### حضور نیافتند!

27/5/86 روز بازگشایی بازار هنر و... در مشهد بود که با حضور تعداد زیادی از صنعتگران از سراسر کشور برای معرفی و عرضه کالا مواجه شد.

در ساعات آغاز افتتاحیه با حضور مسئولین استانی و سخنرانی مکرمی فر رئیس سازمان میراث فرهنگی آغاز شد که البته ایشان در این جلسه ضمن ارزش نهادن به هنر و صنایع دستی آمار از بین رفتن تولیدات صنایع دستی را 91 درصد اعلام کرد. او اشاره ای به از دست رفتن بیش از 500 هزار فرصت شغلی نکرد که خود بیانگر ضد و نقیض بودن فرمایشات مزخرف ایشان و امثال او میباشد. این نمایشگاه در یکی از مجتمع های نو ساز در یکی از مناطق دور و دنج مشهد برگزار شد. این مجتمع به اظهار صریح مسئولین سازمان صنایع، توسط یکی از سرمایه داران سازندگی بنا شده است.

صنعتگران اقدام به بازگشت بدون اثاثیه خود کردند که خوشبختانه رسوایی مسئولین و سرمایه داران در برداشت.

این هم یک تجمع خانوادگی صنعتگران صنایع دستی در



مشهد در مقابل استانداری خراسان. .... در کاغذها

نوشته شده؛ زندگی میخوایم.....  
\*\*\*

این گزارش توسط یکی از دوستان صنعتکار و فعال در میان کارگران صنایع دستی برای نشریه ارسال شده است. گزارش و نمایشگاه و اعتصاب مربوط به اواخر مرداد 86 است، اما عکسهای سری اول تاریخ انگلیسی سال 2005 را بر خود دارد. یا اشتباه از تنظیم تاریخ دوربین است و یا این سری عکسها مربوط به دو سال پیش. در هر صورت از آنجا که اعتراضی در میان این بخش از کارگاهها را منعکس میکند و متن گزارش با عکسهای ارسالی انطباق دارند، آن را منتشر کردیم. از این دوست و فعال عزیز کارگری تقاضا داریم در مورد وضعیت و کار این کارگاهها در ایران و بویژه استان خراسان گزارش دقیقی برای نشریه تهیه کنند تا خوانندگان بیشتر در جریان قرار گیرند.

سر دبیر \*

## یا کار یا بیمه بیکاری مکفی!

**تشکلهای کارگری ...** همواره افق سوسیالیستی و اتحاد و همسرنوشتی طبقه در هر مبارزه و تلاش روزمره کارگر را فراموش نمیکند و خود را موظف به آموزش کارگران به این افق و سنتهای مبارزه سوسیالیستی میدانند. توده کارگر بدون خواندن کاپیتال و ایدئولوژی آلمانی و مانیفست، ماهیت سرمایه و سرمایه داری را از موقعیت واقعی خویش درک میکند. لازم نیست کارگر را به "بیسواد و روشنفکر" و غیره تقسیم کنیم. اگر سوسیالیستی پایش روی زمین باشد و درد واقعی کارگر را به زبان توده ای بیان کند، کارگران برایش هورا میکشند و "صحیح است" میگویند. کارگران اهمیت و قدر رهبران خود را خوب میشناسند. باید از دعوای حاشیه ای دوری کرد و به سوالات واقعی پرداخت. دامن زدن به جنبش مجمع عمومی امروز و تلاش برای منظم کردن و تثبیت آن، تنها راه برون رفت از وضعیت فعلی و تنها راه پیشروی جنبش کارگری در اعتراضات برحق اش و از جمله خواست تشکل کارگری است. مسئله بعدی که باید جداگانه در مورد آن صحبت کرد اتخاذ روشهایی است که خصلت آکسیون و مناسبتی ندارند. بلکه حضور طبقه کارگر را در یک مونتوم دائمی، درست مانند جدال هر روزه اش علیه سرمایه، تضمین میکند.\*

این حرکت بسیار مسئولین سازمان و خصوصا سرمایه گذاران بخش خصوصی را مورد شوک قرار داد. مسئولین به تهدید هنرمندان و عوامل اعتصاب پرداختند؛ از قبیل لغو مجوزهای آنان و پروانه تولید و بعضا تهدید به بازداشت به جرم اختلال در سیاستگذاری های استان. امروز که نمایشگاه روز پنجم خود را سپری میکند، با وجود فروشگاههای بسته و استقبال



کنندگان بسیار محدود و در از هر صنعتگر دو نفر مامور لباس شخصی وجود دارد.

ماموران لباس شخصی طی یک اقدام عوامفریبانه و مضحك اقدام به باز نمودن و شکستن قفل کارگاهها



بدون حضور صاحبان آن پرداختند. البته تعداد قابل توجهی از



در فاصله کمی ماموران نیرو انتظامی اقدام به پراکنده کردن و خارج کردن تجمع از محل نمایشگاه را کردند که صنعتگران اقدام به بازنویسی و جمع آوری اعتراضاتشان کردند.



در روز دوم کار نمایشگاه، صنعتگران با اقدام به اعتصاب و تجمع در فروشگاههای خود

## گفتگو با علی جوادی در باره کمپین 10 اکتبر...

زندگی آری" را امضا کرده اند. من از همه کسانی که به اینترنت دسترسی دارند میخوام که این پتیشن را امضا کنند. این امضاها در عین حال سندی است علیه رژیم اسلامی که یک روز بدون اعدام و سرکوب و زندان نمیتواند سر پا باشد. "نه" به حکومتی است که بر چوبه های دار و جوخه های اعدام حکومت خود را مستقر کرده است.

**یک دنیای بهتر:** آیا این جنبش مهر خود را بر فرهنگ سیاسی - مبارزاتی جامعه حک کرده است؟

**علی جوادی:** به نظر راه خوبی طی شده است. اما راه زیادی نیز باید هموار و پیموده شود. یک جنبه مهم کمپین "علیه اعدام - علیه رژیم ۱۰۰۰۰۰ اعدام" جاری شدن دیالوگ سیاسی پیرامون مساله مجازات اعدام است. برای لغو مجازات اعدام باید جوانب متعددی پرداخت. این جوانب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و بعضاً روانی و اخلاقی هستند. جنبش علیه اعدام یک مبارزه چند وجهی است. یک مبارزه انسانی است. اعدام و کشتار دولتی تاریخی دیرینه دارد. طبقات حاکم و مذاهب در کنار حاکمیت سیاسی توجیه گر این جنایت دیرینه طبقات حاکم بوده اند. همانطور که اکنون مساله آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی به یک بخش از فرهنگ سیاسی عمومی جامعه تبدیل شده است، مساله لغو مجازات اعدام هم باید چنین موقعیتی در جامعه و فرهنگ سیاسی توده مردم پیدا کند. باید کاری کرد که هیچ جریانی نتواند به توجیه بر پا بودن بساط اعدام چه امروز و چه فردا بپردازد. جنبش ما در بحث و گفتن پیرامون مساله مجازات اعدام تا کنون پیشقدم بوده است. این مبارزه نیز مانند مقوله "آزادیهای بی قید و شرط سیاسی" و "آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی" مهر جنبش ما را بر خود دارد.

صفحه 6

عمومی جامعه در قبال این کمپین جهانی هستیم. کمپین لغو مجازات اعدام جای خود را در مشغله ذهنی عمومی جامعه باز کرده است. بحثهای زیادی پیرامون مجازات اعدام، جوانب و ظرایف مختلف آن و همچنین مقابله با رژیم اسلامی اعدام در مجاری گسترده ای در جامعه در جریان است. بنظرم در حال حاضر بجز این میتوان از یک جنبش اجتماعی علیه اعدام و علیه رژیم اسلامی صد هزار اعدام صحبت کرد. مساله لغو مجازات اعدام اکنون فقط یک مطالبه یا سوژه مبارزاتی برخی از احزاب سیاسی و مشخصاً احزاب کمونیستی کارگری نیست. این مساله اکنون به یک ویژگی و داده ذهنی و سیاسی بخشی از جامعه تبدیل شده است. این مجموعه بخشی از نقشه عمل عمومی و فاز اول حرکتی بود که حزب ما برای این کمپین مد نظر داشت.

**یک دنیای بهتر:** تلویزیون "کانال یک" با ابتکار شما کمپین "اعدام نه - زندگی آری" را شروع کرد. این کمپین چه بعدی به جنبش علیه اعدام بخشیده است؟

**علی جوادی:** ما بمنظور گسترش ابعاد این کمپین با رسانه های مختلف تماس گرفتیم. مسئولین این تلویزیون و از جمله مسئولین "رادیو صدای ایران" از پیشنهاد ما استقبال کردند. کمپینی که تلویزیون کانال یک آغاز کرده است بخش قابل توجهی از جنبشی است که اکنون در سطح افکار عمومی جامعه فارسی زبان در حال گسترش است. این تلویزیون با توان خوبی پیشقدم راه اندازی کمپینی در این تلویزیون شده است. ویدئو کلیپ های متعدد، برنامه های تلویزیونی متعدد، پرسش و پاسخ پیرامون مجازات اعدام و طوماری تهیه شده و هم اکنون در حال امضا شدن است، از جمله اقداماتی است که تلویزیون کانال یک به آن پرداخته است. تاکنون بیش از ۱۲۰۰۰ نفر پتیشن "اعدام نه -

## ایران خودرو قتلگاه کارگران است!

ادامه کاری در این کارخانه باید منوط به تایید بازرسان کارگری شود!

بنام به گزارش "جمعی از کارگران ایران خودرو" علی امامی کارگر بیست و شش ساله قسمت پرس در اثر برخورد دو قالب جان خود را از دست میدهد. این دومین قتل در کارخانه ایران خودرو در ظرف بیست روز گذشته است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری درگذشت علی امامی را به خانواده امامی و کارگران ایران خودرو و طبقه کارگر صمیمانه تسلیت میگوید.

قتل علی امامی یک نمونه دیگر از کشتاری است که سرمایه داری در جهان کنونی بر علیه کارگران سازمان داده است. قتل کارگران در محیط کار تصادف نیست، گوشه ای از عملکرد دائم نظام سرمایه داری است. در این نظام جان انسانها تابعی از سود آوری سرمایه است. اما سوانح کار و قتل کارگران در ایران خودرو حتی فراتر از حد متوسط در سایر محیط های کاری است.

ایران خودرو یک قتلگاه کارگری است. در این شرایط بیش از هر زمان ضروری است که کارگران ایران خودرو در قسمتهای مختلف مجمع عمومی خود را تشکیل دهند. یک دستور اساسی این

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ شهریور ۱۳۸۶

## مقابل فتوای اسلامیون بایستیم!

آزادی بیان و نقد قید و شرط ندارد! نمایش تعصب ممنوع!



مدتی است خیمه اسلام با چند کاریکاتور اینجا و آنجا به لرزه در می آید و لشکر همیشه مزدگیر و در صحنه اسلام فتوای قتل میدهند و تهدید به مرگ میکنند! عده ای هم از ترس این جنبش خونریز سیاسی سازش میکنند و آزادی بیان را در مهد دموکراسی و لیبرالیسم به مسلخ اسلام و مذهب میبرند!

اما راه حل ساده است؛ سگ در فرهنگ اروپایی همان نیست که در اسلام است. سگ "نجس" نیست. اسلامیون میتوانند کله عیسی و موسی و هر که از نظر آنها "مقدس" است، کاریکاتور کنند و جنگ صلیبی را به جنگ کاریکاتورها تبدیل کنند! این فتواها بار دیگر اثبات میکند که اسلام بخشی از لومپنیرم در جامعه است! نمایش تعصب ممنوع!

## گفتگو

## با علی جوادی ...

یک دنیای بهتر: ارزیابی شما از احتمال تصویب قطعنامه برای توقف مجازات اعدام در جهان در مجمع عمومی سازمان ملل چیست؟ معنای این پیروزی چیست؟

**علی جوادی:** بنظر میرسد که این قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شود. ارزیابی های اولیه حداقل بر چنین احتمالی استوار است. ما از تصویب چنین قطعنامه ای در هر مجمع دفاع میکنیم. تصویب این قطعنامه در سازمان ملل یک گام و تنها یک گام در مبارزه بشریت متمدن در تحمیل لغو مجازات اعدام بر مجمع نمایندگان دولتهاست. تصویب این قطعنامه به مبارزه علیه اعدام جنبه های گسترده تری می بخشد. اما بر چیدن واقعی و عملی بساط اعدام کار این نهاد نیست. کار بشریت متمدن است. کار جنبشهای اجتماعی است. کار کمونیسم کارگری است. کار ماست. بساط اعدام را در جمهوری اسلامی تنها میتوان با سرنوشتی رژیم اسلامی اعدام برچید.

**یک دنیای بهتر:** بعد از پیروزی احتمالی چه باید کرد؟

**علی جوادی:** باید برای پیروزی از هم اکنون آماده شد. این پیروزی گوشه ای از پیشرفت بشریت متمدن علیه توحش حاکم بر برخی از جوامع کنونی است. اما باید به این مبارزه ابعاد گسترده و عملی تر بخشید. باید مبارزه علیه اعدام را به یک مبارزه اجتماعی برای برچیدن عملی بساط اعدام تبدیل کرد. یک بعد عمده تلاش ما سازماندهی مبارزه اجتماعی برای برچیدن بساط اعدام رژیم اسلامی است.

## هیئت دائر دفتر سیاسی پاسخ میدهد

مشغله کنگره هم توجیه کننده این موضع نیست. تردیدی نیست که موضع غیر فعال حزب حکمیتست هم "تاریخ را نمیسازد". اصولی تر این بود که از موضعی دخالتگرانه کمونیستی کارگری به این مسئله برخورد میکردند. هنوز هم میتوانند همین کار را بکنند. توصیه ما هم همین است.

**اخیرا در میان فعالین حزب کمونیست کارگری و حزب حکمیتست نوعی ادبیات توهین آمیز در قبال مخالفین درونی و بیرونی شدت گرفت و با سکوت تأیید آمیز رهبری این احزاب مواجه شد. نظر هیات دایر در این زمینه چیست؟**

**سیاوش دانشور:** در سنت کمونیسم کارگری نقد سیاسی با هر مدیومی مجاز است و اساسا نقد یک ویژگی این جنبش است. اما ظاهرا برخی فحاشی و توهین شخصی و تحقیر ارباب منشانه را بجای نقد اشتباه گرفته اند. و یا نه، اشتباهی در کار نیست، بلکه روند تسلط یک رگه سیاسی معین را نشان میدهد. رگه ای که تپی از ویژگیهای انسانگرایانه، منصفانه، آزادمشنانه، آموزنده کمونیسم کارگری و جوهر انتقادی آنست. بیشتر فرهنگی مباحثی، غیر کمونیستی، غیر پایبند به دوران دیرین دوستی و همسنگری، و در خدمت تثبیت خط سیاسی شناخته شده ای است. نوشته های بهرام مدرسی در برخورد به مخالفین درونی و یا سایت آزادی بیان و یا نوشته های محمد آسنگران در ایسکرا نشریه حزب و اطلاق انواع کلمات زشت به مخالفین سیاسی، یک تلاش مشترک و همجهتی در بالاترین ارگانهای رهبری دو حزب را نشان میدهند. البته اینها فقط دو مثال اند، این فرهنگ جدید متأسفانه گسترده است و بدون تأیید رهبری این احزاب یا دستکم بخش مسلط آن ممکن

"روز جهانی علیه اعدام - علیه رژیم ۱۰۰۰۰۰ اعدام" با واکنشهایی در جنبش کمونیسم کارگری مواجه شده است. حزب حکمیتست ضمن دفاع از هر مبارزه ای برای لغو اعدام انتقادات مستتری هم به این کمپین وارد کرده است. نظر هیات دایر در این زمینه چیست؟

**سیاوش دانشور:** موضع حزب حکمیتست موضع کلاسیک چپهای منزله طلب است و در عین حال بسیار متناقض که شبخ سکتاریسم در آن دیده میشود. صحنه طوری چیده شده که گویا دولتها و سازمان ملل کمپین کردند و عده ای دل به این خوش کردند و با این فرض ماهیت سازمان ملل و دولتها تشریح میشود! این فرض غلط است. قطعنامه ای از جانب سازمانهای غیر دولتی و ائتلاف جهانی علیه اعدام آغاز شده است. کمپین 10 اکتبر حزب ما هم از همین حمایت کرده و مشخص تر رژیم اسلامی را هدف قرار داده است. بنابراین معلوم نیست تأکید بر بسیج جامعه و سازمانهای غیر دولتی و توضیح ماهیت سازمان ملل، از سر بی اطلاعی است یا پوششی برای سکتاریسم. یک موضع اصولی این میبود که با درک درست تری از رابطه انقلاب و اصلاحات و بعنوان یک جریان ضد اعدام و ضد جمهوری اسلامی نیرویشان را در دفاع از این کمپین می گذاشتند و تأکیدات مورد نظرشان را هم بیان میکردند. ماهیت سازمان ملل مورد مناقشه نیست. کسی مدعی نشده این سازمان "تاریخ را میسازد"! این بحثها ذهنی است. اما حتی اگر همین سازمان ملل زیر فشار ناچار به تصویب قطعنامه سازمانهای غیر دولتی شود، این حزب اعتراض میکند؟ اما تصویری که از کمپین میدهند و موضع حق بجانبی که گرفته اند هیچکدام واقعی نیست. موضع حزب حکمیتست موضعی پاسیو است. شبیه دیگر مواضعشان در قبال رویدادهای سیاسی است. روی یک تلاش انسانی عملا سایه می اندازد.

نیوده است. سکوت تاکتونی همین را تأکید میکند. این رگه ای است که زیر پوشش ساختن حزب دست در انبان کهنه ترین سنتهای تشکیلاتی و عمدتا غیر کمونیستی کرده است. این رگه سر سوزنی، تأکید میکنم سر سوزنی، با کمونیسم کارگری ربط ندارد. این فرهنگ ادامه عقب نشینی از سنتهای سیاسی و تشکیلاتی کمونیسم کارگری است. ما در این زمینه بویژه در دوره فراکسیون هشدار دادیم. نمایش تعصب فرقه ای و رفتار غیر مسئولانه ای که مشاهده میشود، تلاش دارد به یک سنت جدید حزبی شکل دهد. محمد آسنگران و بهرام مدرسی نمونه های زمخت آن و در عین حال شاخص مهمی در موقعیت این خط و تلاش برای پیشروی است. کادرهای کمونیسم کارگری باید بسیار حساس به این موضوع برخورد کنند. اگر قرار است احترام و اتوریته کسانی با له کردن شخصیت و حرمت کسانی دیگر تأمین شود، راهی باز میشود و سنتی پایه ریزی میشود که در هر حلقه با شدت بیشتری باید رفتار کند و همین فرهنگ را در سطوح مختلف تسری دهد. تسلط این رگه در این احزاب مطلقا چیزی از سنت کمونیستی کارگری بجا نمیگذارد و حاصل آن شکلگیری سازمانهایی فرقه ای و محدود است که تنها افراد همیشه تابع خط رسمی میتوانند در آن راحت باشند. چون نرم اینست که اگر مخالف شدی زیر باران توهین و ناسزا و بد دهنی قرار گیری. اگر در این میدان ظاهر شدی بازنده ای، اگر ظاهر نشوی باز هم بازنده ای! راهی جز تسلیم و یا استعفا نمیماند. اما اینها "پیروزی" نیست، در دنیای فرقه ای و مقبض شاید "پیروزی" معنی دهد، اما در جامعه و سنت اجتماعی و طبقاتی چیزی نیست جز عقب نشینی علنی و رسمی از نرمها و سنتهای پیشرو کمونیسم کارگری. این روشها از نظر ما غیر مسئولانه و مخرب اند و باید اجتماعا نقد و کنار زده شوند. آنچه امروز مهم است اینست که کادرها و فعالین کمونیسم کارگری با اتکا به منافع دراز مدت تر جنبش کمونیسم کارگری قاطعانه این سیاستها و روشها را نقد و منزوی کنند. \*

به کمپین 10 اکتبر  
بپیوندید!

## نامه ها،

سیاوش دانشور

سلام،

یه سوال دارم. به نظر شما کسی رو 1 نفر می کشه چه جوری باید مجازات کرد؟ آیا راه دیگری غیر از قصاص هست؟ درضمن این قصاص برای خود معدوم هم خوب است چون دیگر در جهان باقی به خاطر قتل خود مجازات زیادی نمیشود. چون در این جهان قصاص شده است. نظر شما غیر از این است؟ درضمن اگر مجازاتی چون اعدام برای بعضی از افراد چون مفسد فی الارض نباشد چگونه می توان اینگونه مفسدان را ترساند که سراغ فساد نروند؟ و اصلا یه سوال دیگه: آیا شما مسلمانید؟؟؟؟ اگر نیستید که هیچ ولی اگر هستید خیلی ...

خواننده عزیز،

از همان "خیلی..." آخر شروع کنیم. خیر، ما مسلمان نیستیم. اصولاً بی دین هستیم. راستش ضد دین هستیم و تلاش میکنیم که بشر از اسارت مذهب و از خود بیگانگی خلاص شود. در جامعه مورد نظر ما آزادی مذهب و لامذهبی هر دو وجود دارد. برخلاف جامعه مورد نظر شما! اگر فرض شما و دولت اسلامی و دولتهای مدافع اعدام را قبول کنیم و بطور واقعی قانون قصاص را به شکل برابر آن برای همه قاتلین به اجرا دربیآوریم، آنوقت کلیه سران و کاربدستان مملکت را باید یک به یک قصاص کنیم! ممکن است بگوئید خیر اینها دولت اند و "نماینده" مردم! و این "حق" را خداوند به آنها داده است و غیره. پاسخ اینست که اولاً این دولت قاتلین باید سرنگون شود. دوماً، همه شان بجرم قتل و جنایت محاکمه و مجازات شوند. سوماً، همراه با سرنگونی حکومت خدا - که چیزی جز دولت سرمایه نیست - قوانین منعیت از مذهب و ارتجاع نیز منسوخ میشود. چهارم، شغل خدا مبارک خودش باد. ما میخواهیم نمایندگی خدا روی زمین را ملغی کنیم. بگذارید

انحصار بساط قتل و شکنجه "در دنیای باقی" کماکان در اختیار خودش باشد. و نکته دوم، چگونه میتواند "مفسدان" را ترساند؟ ما ادبیات غیر اجتماعی و مذهبی نداریم. اسم این در جامعه بشری بیمار است نه "مفسد"! اعدام و آدمکشی تاکنون هیچ قاتلی را نترسانده است. به آمار جنایت و قتل در کشورهایی که اعدام میکنند و بویژه رکورد داران آن در چین و ایران و آمریکا نگاه کنید. وانگهی، کسی که تصمیم به جنایت میگیرد از پیش مطمئن نیست که دستگیر و اعدام میشود. و یا اگر هم مطمئن است، زندگی تاحدی برایش بی ارزش شده که قید آن را زده است. مسئله اینست که قانون قصاص یعنی قانون توحش قرون وسطی، یعنی قانون جنایت، یعنی قانون انتقام. نفس عمل یکی است؛ آدمکشی. تفاوت اینست که مجری عمل اینبار مقام دولتی دارد. باید ریشه ها و دلالتی که به جرم و جنایت منجر میشوند از جمله فقر به معنی وسیع کلمه و پیامدهای آن را نابود کرد. فلسفه خون در مقابل خون قرون وسطی تاکنون نشان داده است که بدر یک جامعه متمدن نمیخورد.

سلام

اگر کسی برادر ترا به ناحق بکشد چکاری کنی؟ حق قانونی خودت چه می تواند باشد، العین بالعین است یا...؟ اگر کسی از حقتش نگذرد و بگوید اعدام اعدام. می شود کاری کرد؟ دادگاه می تواند این حق را از وارث مقتول بگیرد و...؟ من با حکم اعدام مخالفم. ولی از نظر حقوقی سئوالات باقی است.

دوست عزیز،

بسیار خوبست که شما با اعدام مخالفید. اگر مشکل از نظر شما فقط حقوقی و قانونی است، خوب این قانون و فلسفه حق را تغییر میدهیم. قوانین که ازلی و ابدی نیستند، محصول تصمیم و اراده بشراند. مگر دولتهایی که مجازات اعدام را لغو کرده اند دچار مشکل حقوقی شدند؟ مگر آمار نشان نمیدهد که میزان جرم و جنایت اتفاقاً در کشورهایی که اعدام اجرا میشود بیشتر است؟ وانگهی کشتن کشتن است، "حق و ناحق" ندارد! کلا نادرست و ضد انسانی است. اگر

عمده قتلها در متن حوادث صورت میگیرد، اعدام که دیگر کشتن کاملاً آگاهانه است. این چه حقی است که توسط میرغضب استیفا میشود؟ قرن بیست و یکم است، ما نیاز به قانون "العین بالعین" قرون وسطی نداریم. حق قانونی بازمانده قربانی یعنی کشف حقیقت و مجازات مجرم و حمایت از قربانی. عدالت به هزار شکل میتواند اجرا شود، نیازی به تکرار قتل و نهادینه کردن چرخه آدمکشی نیست. نیازی به سرمایه گذاری روی نفرت و کینه و حس انتقامجویی نیست. این رویه جامعه را بیمار و خشن و جبراً قاتل پرور بار می آورد. نکته دیگر اینست قانون نمیتواند براساس عواطف و کینه احتمالی بازمانده قربانی تنظیم شود. اگر مجازات اعدام از قوانین مملکت حذف شود، دیگر آدم فرضی شما نمیگوید "اعدام اعدام"! مردم یاد میگیرند، فرهنگ جامعه تغییر میکند. مگر در خیلی کشورهای دنیا اینطور نشده است؟ مسئله اساسی تر اینست که مجازات اعدام تنها ویژه جنایتکاران و قاتلین نیست، عمده اعدامها سیاسی است. وجود قانون مجازات اعدام با هر تبصره ای، دریچه ای است برای اعمال خشونت و قتل دولتی در مواقع ضروری. نفس قانون را باید لغو کرد. قوانین جامعه باید در جهت پیشرفت و انسانی شدن بیشتر باشند نه عقبگرد و وحشی شدن.

سلام و درود بر شما

من و خانواده ام هم مخالف اعدام هستیم. ولی تو ایران که نمی شه حرف زد. من می خوام تو رای گیریه channelone شرکت کنم. ولی سایت فیلتر شده. شما می تونی به من کمک کنی؟ با آرزوی موفقیت برای شما.

دوست گرامی

خوشبختانه هر روز بیشتر به تعداد مخالفین جنایت و قتل عمد دولتی یعنی اعدام افزوده میشود. در ایران و در مواردی علیه اعدام مردم و بویژه دانشجویان و کارگران علناً حرف زدند. باید

همه حرف بزنند تا مسئله به امری همگانی تبدیل شود. رژیم اسلامی میدانند که کمپین علیه رژیم صد هزار اعدام در ایران حامیان زیادی دارد و همه سایتهای فعال در این زمینه را فیلتر کرده است. راه استفاده از فیلتر شکن و غیر مستقیم وارد شدن به اینگونه سایتها است. پیروز باشید.

آنسالا

خوشبختانه یا متأسفانه مجازات اعدام را کاملاً درست می دانم اگر چه معتقدم امروزه کمتر از آن چیزی که باید در ایران اجرا می شود. لغو مجازات اعدام را یک حماقت می دانم. برای من غیر قابل تحمل است که کسی 20 نفر را بکشد ولی قصاص نشود. یاد این جمله می افتم: در تمدن جدید غرب برای وضع قوانین از عقل بشری تنها از عقل بشری استفاده شده است.

خانم یا آقای آنسالا

همان متأسفانه درست تر است. و باز هم متأسفانه تاریخ بشر ملو از دورانهای است که حماقت و جهالت سرنوشت نسل ها را رقم زده است. و به همین اعتبار با تداوم جنایت و سبعبیت، فرهنگ خون در مقابل خون و قصاص را نهادینه کرده است. حماقت در الغای مجازات اعدام نیست، در تاریخ و جامعه ای است که برای دفاع از خود و اجرای عدالت تنها خون و چوبه دار و میدان تیرباران را میشناسد. من معتقدم که این توافق با کشتن آدمها است که با "عقل بشری" جور در نمی آید. شما خواسته یا ناخواسته دارید به حکومتی کریدید میدهید که فقط در شش ماه گذشته قریب 500 نفر را اعدام کرده و پرونده 100000 اعدام را زیر بغل دارد! تازه میگوئید هنوز "کمتر اجرا میشود"! آیا این جامعه چیزی به نام "عقل بشری" برای شما باقی گذاشته است؟ واقعا فکر میکنید این امری طبیعی است؟ و بالاخره در تمدن غرب برای وضع قوانین تنها به "عقل بشری" رجوع نشده است، بلکه عقل بشر و اولویت بشری تابعی از نیازهای سرمایه شده است.

همانطور که

## نامه ها...

قوانین تاریخا و در دوره کهن و پیشا سرمایه داری نیز تابعی از نیازهای طبقات دارا بوده است و امروز فلسفه خون در مقابل خون و قصاص آن، عقل بشری شما را به زیر سلطه خویش کشیده است. متاسفانه!

### صمیم

سلام. از اینکه شنیدم حزب اتحاد کمونیست کارگری تشکیل شده بسیار خوشحال شدم. راستش برای امضا اعدام نه زندگی آری به سایت کانال یک مراجعه کردم اما موفق نشدم. توضیح بیشتری بدهید که دقیقاً باید چکار کرد. با تشکر

### صمیم عزیز،

علی جوادی در زمینه حزب به شما پاسخ داده است. حتما نشریات و برنامه ما را بخوانید و به دوستان دیگر نیز معرفی کنید. شما میتوانید خوشحالی تان را از تشکیل حزب با پیوستن به آن و مبارزه همراه با ما بیشتر کنید. ما دنیای انسانی و برابر و آزاد می‌خواهیم و برای ساختن چنین دنیایی باید متشکل شد و تلاش کرد. این حزب شماسست. در مورد امضا و مشکل فیلترینگ مسئولین مربوطه از تلویزیون توضیح میدهند. موفق و پیروز باشید.

### اردوان عزیز،

پوستر شما در مورد کمپین 10 اکتبر دریافت شد. در همین شماره منتشر کردیم. لازم است همراه با دیگر دوستان در ایران اقدامات لازم را برای 10 اکتبر در دستور بگذارید. از جمله تکثیر و توزیع بیانیه ها و پوسترهای حزب را فراموش نکنید. دست شما درد نکند و پیروز باشید.

### کامیار آزادمهر عزیز،

مطلب و پوسترها دریافت شد. واقعا خسته نباشی و دستت درد نکند. قابل توجه خوانندگان نشریه که عمده پوسترهای منتشر شده در نشریه یک دنیای بهتر از کامیار آزادمهر است.

### دریا کیانی عزیز،

مطلبت را از طریق رفیق محمود احمدی دریافت کردیم. بیشتر برای نشریه بنویسید. موفق باشید. اینهم یادداشت دریا عزیز؛

### علیه اعدام

### دریا کیانی

صدای تپش های قیلش تندتر شده است می داند که وقت رفتن است. می داند که حق با اوست. هر چه فکر می کند جرمش را به یاد نمی آورد! ولی خواستش آزادی بود و حقوق انسانی. می داند که نمی خواهد بمیرد. ولی آن چهره کریه آنجاست تا طناب دار را به گردنش ببندازد، می داند که چه خواهد شد. صدای تپش قیلش به قدری بلند است که صدای جمعیت را برایش مبهم کرده. آرزو می کند که مادر و خواهرش آنجا نباشند. می داند که چه قدر دوستش دارند. و او همین حالا چه دلتنگشان است. می داند که رفتنش مصیبتی است برایشان. می داند نمی خواهد که برود. وقت وداع نیست. ولی جلاذ آنجاست با سماجت منتظر است نمی داند چرا جلاذ آنچنان مصرانه منتظر مرگ اوست. حالا حلقه طناب درست روی روی صورتش است. می داند که به زودی به دور گردنش خواهد بود و بعد فشار کشنده آن صدای تپش قیلش را برای همیشه خاموش خواهد کرد.

چه سخت است که از اعدام بگویم. چه سخت است که از مرگ اجباری جوانی بگویم که تا چند لحظه دیگر پیکر بی جانش را بیرحمانه بر روزی زمین خواهند کشید. چه سخت است از حق زندگی سخن بگویم در جایی که هیچ ارزشی برایش قائل نیستند. چه دردناک است مشاهده مرگ، مرگی که جلاذ نقابدارش طناب پوسیده اسلام را به گردن جوانی می اندازد. تا بتواند به حیات رو به زوالش تداوم بخشد. و فردا گروهی دیگر حلق آویز خواهند شد و صدای شیون درد آلود مادرانی که تصویر دار کشیده فرزندانشان هرگز از ذهن درد کشیده شان پاک نخواهد شد. چه سخت است که بگویم کودکان را به تماشای این جنایات می نشانند تا مهر ترس و وحشت را از کودکی در دلهای

کوچکشان نقش بزنند. و به آنها می آموزند که در دنیای اسلام سزای آزادی و پرواز مرگ است، و اینجا اسلام ناب محمد هنوز جاهلانه می تازد.

### آریان عزیز،

از اعلام آمادگی و تصمیم به همکاری با حزب خوشحالم. به شما و دوستان دیگری که در همین هفته در داخل و خارج به حزب پیوستند خوش آمد میگوئیم. این حزب همه کسانی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران و برقراری یک دنیای بهتر، یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی مبارزه میکنند. برایتان پیروزی در اهداف انسانی و مدرن کمونیستی آرزو میکنیم.

### با سلام،

من دو تا سوال دارم. یک، چه کسی و در چه تاریخی نظر شما را داد؟ دو، من که در ایران هستم چگونه میتوانم عضو حزب شوم؟ منتظر جوابتون هستم. با تشکر. حسین

### حسین عزیز،

در مورد چگونگی عضویت لازم است فرم تقاضای عضویت را پر و ارسال کنید. این فرم در نشریه منتشر شده و برایتان ارسال شده است. پیشاپیش ورودتان را به صفوف حزب خوش آمد میگویم.

در مورد شما، قبل از اینکه یک نظریه باشد **یک تجربه تاریخی** است که بعدها از زوایای گوناگون و در مقاطع مختلف تدوین شد. بعنوان تجربه تاریخی و انقلابی در شکل خام و کلی، معنای شما برای ارگانهائی بکار رفته است که طبقات و اقشار پانینی جامعه را نمایندگی میکنند. به این معنا هر سازمان و نهادی که به عنوان تشکل و سازمان محرومین و توده مردم جامعه شناخته شده، پایه های تفکر شورائی را داشته است. نویسندگان و مورخین مختلف سابقه موضوع را به

دورانهای قدیم و تجارب معین ربط میدهند. اما عنوان و مضمون شما در تاریخ جدید، در آثار منتشر شده در این باره عمداً به شورای سربازان انگلیس در قرن 17، کمون پاریس در انقلاب 1871 فرانسه، انقلاب 1848 آلمان، و بعدها انقلاب روسیه اشاره دارند. باید توجه داشت که شما در این دوره ها ضرورتاً یک مضمون را نداشتند و تابعی از وضعیت اجتماعی و تاریخی خویش بودند. اگر سوال شما در مورد شما بعنوان حکومت و دولت سوسیالیستی است، بعد از تجربه کمون پاریس، کارل مارکس با بررسی آن روشی را تحت عنوان دولت شما یا دولت کمون تدوین کرد و از آن بعنوان یک دولت انقلابی دوره گذار که هدفش استقرار سوسیالیسم و نفی دولت و طبقات است بحث کرده است. اما نظریه شما مختص به مارکسیستها نیست. سنت آنارشیزم و مشخصاً باکونین در دوره کمون پاریس و انترناسیونال اول کارگری الگوی خود را برای شما تحت عنوان مقابله با هر نوع شکل دولتی و "تمرکز زدائی" تدوین کرده است. به لحاظ صوری، اشکالی از مضمون شما در نظریات و تئوریهای انواع سوسیالیسم های غیر کارگری تا سوسیالیسم مارکسی و کارگری وجود دارد؛ که به **عمل مستقیم و دمکراسی رادیکال** از پانین منکی است. اشکال قدیمی و اتوپیک تر آنرا میتوان در دیدگاههای سوسیالیستهای تخیلی اوائل قرن نوزده مانند سن سیمون، آون و فوریه تا پرودن و باکونین و سندیکالیسم قدیم دید. بویژه نقل دیدگاههای پرودن و باکونین بیشتر بوده است و از جمله مارکس و انگلس در مورد نقد این دیدگاهها بحث کرده اند. تجربه شورائی در سرمایه داری یک تجربه تاریخی و مبارزاتی گرایش کمونیستی و رادیکال طبقه کارگر بوده است. همانطور که اشاره شد بعد از کمون پاریس و بخون کشیدن آن، توسط کارل مارکس نقاط مثبت و منفی این تجربه بعنوان یک تجربه تاریخی بررسی و جمع بندی شد و به تدوین اصول و مبانی نظریه دولت کارگری یا دولت شما منجر شد.



## نامه ها...

### با سلام به سیاوش دانشور گرامی!

نوشته ام در نقد مطلب سایت "سلام دمکرات" و در ارتباط با ماجرای هفت سپتامبر، بیبوست است. متأسفانه نوشته نوید مینایی را نتوانستم بخوانم و از مضمون آن بی اطلاع هستم و لذا دفاع از آن را به خود نوید وا میگذارم. لطفاً با استناد به خود نوشته بخودم نیز نشان بدهید که کجا از "نیاز سایت سلام دمکرات بخون" حرف زده ام؟ در نشریه دنیای بهتر شماره 16 علی جوادی در نوشته ای به نام "هیات دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد" خطاب به حککا نوشته است؛

"این حزب متعاقباً به شیوه ای غیر منصفانه موضعگیری سایت "سلام دمکرات" را "دفاع از اعدام" (نوید مینایی) و "نیاز به خون" (منصور ترکاشوند) قلمداد کردند..." در این ماجرا، نفهمیدم انصاف چیست و "منصف" کیست؟ بی نقد، چطور میخواهید مدافعین "غیر پیگیر" را بچرخانید؟ تازه، این نظرات من و نوید مینایی بود نه حککا. "انصاف حکم می کرد، حتی در صورت صحت ادعای علی جوادی، اینها را بیای ما دو نفر بنویسید نه حککا. در هر حال لطفاً برای روشن شدن ذهن خوانندگان نوشته ای پیوستی را در نشریه منعکس کنید تا خوانندگان خود داوری بکنند، برعکس نظر علی جوادی که از طرف هیات سیاسی عنوان شده است، در آن نوشته سعی کردم که سلام دمکرات را به جهت دیگری هدایت بکنم تا آلوده ماجرای دردناکتری نشود و در کنار جمهوری اسلامی قرار نگیرد.

مطلب سلام دمکرات را با مطلب "تایمز" که توسط مارکس نقد شده و شما آن را در ضمیمه ای شانزده نشریه ای دنیای بهتر منعکس کرده اید، مقایسه کنید. سلام دمکرات در پس افشای "نا قهرمانی یک زندانی زیر اعدام معمولی" در کدام جهت گام برداشته بود؟ در جهت حمایت از چه "آیینی" یا سفت کرده بود؟ حلق آویز شدن "یک فرد معمولی"

هم مورد اعتراض ماست، نمی شود و نمی توانیم به بهانه "معمولی بودن کسی" از تلاش برای لغو اعدامش کوتاه بیایم. آیا سلام دمکرات فهمیده بود که در این موارد آمار و ارقامی وجود دارند، "که بکاملترین وجهی از زمان قابل به اینسو، ثابت کرده است که هیچگاه آدمیان در نتیجه مجازات و نه اصلاح و نه منصرف شده اند، بلکه قضیه درست برعکس آن بوده است." آیا نوشته سلام دمکرات "رقت انگیز" نبود؟

بخصوص آنکه حداقل نوشته ای من و نوید حتی در همین حد هم از سوی حزب "غیر منصف حککا" بسرعت حذف شدند، همه دیدند که این نوشته ها فقط چند روز روی روزنه بودند و حذف شدند. نمی دانم حداقل در این ماجرا منصف کیست؟ شما یا حککا؟ کاش بی پرده نظرت را بنویسی. بنظرم انصاف چیز دیگری را حکم می کند.

با احترام منصور ترکاشوند. گیرنده: سایت روزنه جهت اطلاع و یا درج

### رفیق منصور عزیزم،

نامه شما، همراه با مقاله تان، و پاسخ ما بطور کامل در ستون آزاد سایت حزب منتشر میشود. اینجا صرفاً به پاسخ اکتفا میکنیم. مقاله شما در جدل با سایت سلام دمکرات نوشته شده است و تیتیر آن اینست؛ "این یک جنگ واقعیست، دستان خود را به خون آلود نکنید!" و در بخشی از مطلب این جمله اسیدی آمده است؛ "نویسندگان سلام دموکرات و هم کیشان "ساکتشان" اتفاقاً یک انتخاب سیاسی کرده اند و با این انتخاب در کنار نظام اسلامی و نیازش به خون برای بقا ایستاده اند. آیا اجازه میدهند که دستانشان بخون آلوده شود؟ آیا حرفهای "دموکراتیکشان" را پس خواهند گرفت؟" تاکیدا از من است.

منصور عزیز، این همکیشان ساکت جمهوری اسلامی اسم ندارند؟ نمیشود اسم شان را برد؟ در همان مطلب خلیل کیوان- که لابد مطلبش را باید به حساب حزب گذاشت و شما همین را ادامه داده

اید- گفته شده که بر راستها که حرجی نیست، پس چپها منظور بودند. و اما این چپها؛ حزب اتحاد کمونیسم کارگری رسماً و طی اطلاعیه ای از این کمپین پشتیبانی کرد که ظاهراً آوردن نامش جرم است و شاید جزو چپ دسته بندی نمیشود! آخر رفیق حمید تقوایی اعلام کردند که ما "نماینده بورژوازی بزرگ"؟! هستیم. بقیه چپها هم که در اطلاعیه 169 نهاد و اسامی فردی دیگر اعلام حمایت کرده بودند. از قضا نام سایت سلام دمکرات و فعالینش در همان لیست است! میماند حزب حکمتیست که در سایتهای عمومی ترش موضوع را منعکس و تبلیغ کرد. با تمام اینها حزب کمونیست کارگری معلوم نبود با کی حرف میزند؟ اتهام "همکیش جمهوری اسلامی" زیادی غیر منصفانه و تند است. حتی اگر کسی به هر دلیلی در هر دوره ای از تلاش کمونیستی ما حمایت نکرده، و حتی مخالفت کرده، ما لقب هم کیش جمهوری اسلامی را به آنها نداده ایم. این فرهنگ مجاهدی است. به کمونیسم کارگری تعلق ندارد. متأسفانه، و این را با درد میگویم، در حزب کمونیست کارگری در اینگونه مواقع، "رادیکالیسم" معنایش حرف تند و بی تناسب زدن و مسابقه در آن شده است و نه استدلال محکم و عمیق سیاسی و بسیج و اقناع مردم. مطالبی که در اینمورد منتشر شدند بشدت گویا بودند.

در مورد سایت سلام دمکرات ما بحثمان را کردیم. مخالفت با یک بحث چپ سنتی حتماً موافقت با این مقالات که راستش دقیقاً از همان جنس بودند نیست. و بالاخره شما بقیه را "هم کیش جمهوری اسلامی نیازمند خون" کردید. رفیق عزیز تو حکمت را صادر کردی، جمله بعدی ات تعارف است که آیا دستشان به خون آلوده خواهد شد؟ مخالفین فرضی حزب شما که اینجا آدم نمیکشند، رژیم میکشد - و اینها از پیش کنار رژیم ایستادند آنهم با انتخاب دقیق سیاسی شان - معلوم نیست شما منتظر چی هستید و

این "آیا" چه دردی را دوا میکند؟ نوشته شما، برخلاف مابقی نوشته هایت، بدون تناسب و غیر دقیق و ناجور بود. اگر حزب آنرا "حذف" کرد - کلمه خودتان است- لابد دیدند که خیلی ناجور است. اینکه زمانی از همین کلمه استالینیزم در می آید و زمانی انصاف، انسان را متعجب میکند!

و اما چند سوال؛ آیا واقعا فکر میکنید این موضع درستی نسبت به یک حمایت کننده کمپین حزب است؟ آیا زحمت کشیده بودید - نویسندگان مقالات و رهبری حزب- که لیست حامیان را اول چک کنند و بعد به اصطلاح فشار گذاشتن را شروع کنند؟ آیا عمده سازمانهای حقوق بشری و نهادهای اروپایی که مرتب حزب خبر ملاقات با آنها را منعکس میکند، همین موضع خاکستری و ناپیگیر در مورد اعدام را ندارند؟ آیا شما و دیگر دوستان که این جملات را نوشتید جانب انصاف را رعایت نکردید یا ما؟ خودتان کلاهتان را قاضی کنید. آیا فکر میکنید به همین سیاق دیگر فعالین مدافع زندانیان سیاسی که از قدیم فعالیتهایی را پیش میبرند، مجازند به امثال حزب کمونیست کارگری و ما و شما برای عدم حمایتان از یک پروژه شان همکیش جمهوری اسلامی و موافق اعدام و غیره بگویند؟ آیا نقد سیاسی کمونیستی مبتنی بر دشمن کردن تمام عیار طرف مقابل و له کردن اوست؟ اتفاقاً موضع رفقای حزب در همین بحث به لحاظ روش با سلام دمکرات تفاوتی ندارد؛ سلام دمکرات در پاسخ شما تمام شاخه های کمونیسم کارگری را میزند، شما هم هرکسی که از کمپین حمایت نکرده است! تازه حمایت کنندگان را هم به همان چوب رانید. فکر میکنید نتیجه این سیاست داهیانه چیست؟

و اما نکته ای فراتر از اینها؛ منصور عزیز موضع ما در مورد اعدام روشن است. کل کمونیسم کارگری در این زمینه؛ اگر موضعش را درست بیان کند، موضعی انسانی و آزادیخواهانه است. موضع سلام دمکرات هم که یک نمونه و بروز تیپیک متدولوژی چپ سنتی است بازم روشن است. گره

## تاریخ شکست خوردگان!

کامیار آزادمهر

چند سالی از روی کار آمدن اصلاح طلبان و در راس آنها خاتمی می گذرد. به خوبی شور و التهابی را که در دوم خرداد موج می زد به یاد دارم. همچنین فروکش کردن و هرز رفتن آن با وعده و وعیدهای بی حاصل و دروغین رییس جمهوری محبوب اصلاح طلبان که دیگر محبوبیتی در بین مردم نداشت. اما من می خواهم در مورد اشخاصی صحبت کنم که در حاشیه شکست این جنبش در نقش اپوزیسیون سر بیرون آوردند. وقتی جنبش اصلاح دینی و "لوتر اسلام" شکست خورد، و قابله دنیا آوردن احمدی نژاد شد، توهامات اینها در هم پیچید. با کنار رفتن اصلاح طلبان کم کم چهره های سیاسی آن نیز از صحنه کنار رفتند تا چندی قبل که "دکتر سازگار" از شبکه های آمریکایی سر در آورد.

من موفق شدم مصاحبه او را در صدای آمریکا بشنوم. برایم بسیار جالب بود کسی که صدایش اول تمام نوارهای خمینی وجود دارد، و از اولین کسانی بوده که کمیته ها را سازمان داده و آنطور که خود می گفت 10 سال نیز بر سر پست بوده، یعنی تقریباً تا سال 67، اما اکنون با کت و شلوار و کروات در مقابل دوربین نشسته و بر ضد حکومت صحبت می کند! لابد باید "شکرگزار" باشیم که یکی دیگر از این اربابه بیرون پرید!؟ خوب سازگار چه میگوید؟ ادامه ی صحبت ایشان من را بیشتر به شگفتی واداشت. "دکتر سازگار" در مورد دوران جوانی خود صحبت می کرد که کتاب های راست مذهبی را مطالعه کرده و بعد از 10 سال از پیروزی رژیم و پس اینکه به اندازه کافی به روی مردم خون پاشیده، تازه به شک افتاده که نکند آنچه او فکر می کرده اشتباه بوده؟ و دوباره به خواندن آن عتیقه ها می پردازد. گویا به چشم دیدن این همه جنایت در وی آنچنان "درک شهودی" ایجاد نمی کند

و تنها پس از خواندن مجدد کتاب ها پی می برد "انقلاب آن ها" اشتباه بوده است؟ اینهم از تبلیغات دست چنم این "جناب دکتر" های مورد علاقه رسانه ها علیه دخالت مستقیم مردم در سیاست! اولاً "انقلاب آنها" نبود و ایشان و بقیه در مقام میرغضب علیه انقلاب به صحنه آورده شدند. آنزمان که "انقلابیون واقعی" به دست او و هم قطارانش قتل عام شدند، دقیقاً در همان ده سال، ایشان تنها نقش یک ضد انقلاب را علیه جنبش انقلابی ایفا کرده است. حتماً روز ایشان باید پاسخگوی اعمال جنایتکارانه دوره صدارتش باشد. در جایی مجری تلویزیون از وی می پرسد؛ چگونه انقلاب شکل گرفت و آیا او و دوستانش که در آن زمان زیر سایه خمینی قرار داشتند فکر این را می کردند؟ ایشان در پاسخ می گوید؛ خود ما هم نفهمیدیم چه اتفاقی افتاد و ما خود را برای یک مبارزه چند ده ساله آماده کرده بودیم! واقعا راست میگوید؟ نفهمیدند چه اتفاقی افتاد؟ یاد اولویتهای کمر بند سبز در متن جهان دوقطبی آن دوران و خارج شدن یکبارہ شاه از ایران و سوپر استار شدن خمینی می افتم و بیش از پیش باورم می شود که پروژه "انقلاب اسلامی" طرح ریزی شده از جانب بورژوازی بود تا جنبش اسلامی برای سرکوب چپ بر آریکه قدرت تکیه زده و "دکتر سازگار" ها با تکیه به ارتجاع تازه از گوربرخاسته انقلاب ایران را به خونین ترین شکل سرکوب کنند.

جالب تر اینست که این جناب ها پشیمان نیستند، از مردم عذر نمیخواهند، اطلاعاتشان از جنایتهای مخوف را نمیگویند، حال که به بیرون پرت شده اند پای میدیا نشسته و علیه حرکت مستقل و انقلابی مردم و برای همان نظام تبلیغ می کنند. این چهره های حکومتی شناخته شده اند و نمیتوانند چراغ خاموش اینبار در لباسی دیگر (هرچند فالخر) دوباره سر مردم کلاه بگذارند. کمونیستها و جنبش آزادی خواهانه چنین اجازه ای نمیدهند. مردم اینها را میشناسند. اما نباید اجازه دهیم این شکست خوردگان بساط ن فریب شان را پهن کنند.\*

## زنده باد اعتراض معلمان

معلمان حق التدریسی اعتراض خود را آغاز کردند. روز یکشنبه ۲۵ شهریور حدود ۲۰۰ نفر از معلمان حق التدریسی در خیابان پاستور تجمع کرده و به طرف کاخ ریاست جمهوری راهپیمایی کردند. این اعتراض مورد حمایت بخشهای دیگر معلمان و از جمله "انجمن اتحاد معلمان" قرار گرفته است. معلمان حق التدریسی مانند کارگران قراردادی فاقد قرار داد استخدام رسمی و شغل تمام وقت هستند. این بخش از معلمان حتی از امنیت شغلی و مزایای کاری اولیه سایر معلمان رسمی نیز برخوردار نیستند. استخدام رسمی و شغل تمام وقت از زمره خواستههای اساسی این بخش از معلمان علاوه بر سایر خواستههای معلمان است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از خواست معلمان حق التدریسی قاطعانه دفاع میکند. اشتغال تمام وقت و انعقاد قرار داد استخدام رسمی یک خواست پایه ای بخشهای وسیعی از طبقه کارگر در مقابله با تهاجم سرمایه و دولت به معیشتشان است. پیروزی این مبارزات منوط به حمایت گسترده معلمان و سایر بخشهای طبقه کارگر از این مبارزه است. بر پرچم این مبارزات باید نوشته شود یا اشتغال کامل یا بیمه بیکاری مکفی که تامین کننده یک زندگی انسانی برای تمامی

افراد آماده بکار است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمامی کارگران و معلمان را به حمایت از این مبارزه فرا میخواند.

## حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷ - ۲۵ شهریور ۱۳۸۶

## نامه ها ...

بحث اینجا نیست. معضل اینست که حزب روشی را پیش گرفته که فکر میکند پیشروی خودش در گرو خرد کردن دیگران و نسبت دادن هر ناهقی به این و آن پیش میرود. کسی که واقعا میخواهد جامعه را بسیج کند و رادیکال هم بماند مقداری ظرافت کار را بلد است. نمی آید به کسی که همان روز معین حامی اش است اینگونه حرف بزند. معضل شما اینست که فکر میکنید دنیا و جامعه ای وجود ندارد، تلاشهای دیگری وجود ندارند، هر کس با شما نیست پس لابد علیه شماست! مرز دوست و دشمن و انسان دوست و مدافع موقتی و غیره یکی شده است. حتی درکی استراتژیک تر در امر سازماندهی و جانداختن سیاست کمونیستی ندارید. در این سیستم انصاف جایی ندارد. این روشها نتیجه این وضعیت اند و گرنه کی نمیداند که بهتر است تعداد بیشتری مخالف اعدام باشند و تعداد کمتری در مقابل قلمروهای خاکستری بینفاوت باشند تا چه رسد به موافق. این معضل پایه ای است که پرخاش بجای استدلال، موضعگیری نادقیق را جای حق بجایی مبتنی بر استدلال سیاسی و عمیق کمونیستی، و انتقاد را جای دشمنی میگذارد. تداوم این روش تنها خداحافظی با هر تئمه انسانگرایی و حقیقت جوئی کمونیسم کارگری است. لطفا برای این فکری بکنید.

برایت موفقیت و تندرستی آرزو میکنم.

## آدرس تماس با مسئولین حزب

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)[Sivavash\\_d@yahoo.com](mailto:Sivavash_d@yahoo.com)

مسئولین کمیته سازمانده (سیاوش دانشور، نسرين رمضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئولین کمیته خارج کشور (کریم نوری، سیروان قادری)

[karim.savalan@bredband.net](mailto:karim.savalan@bredband.net)[sirvan\\_gaderi@yahoo.com](mailto:sirvan_gaderi@yahoo.com)

مسئول دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

## جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ با اعضای رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری بررسی اوضاع سیاسی ایران

\* موج اعدامها و راه مقابله با آن \* موقعیت رژیم  
اسلامی \* کمونیسم کارگری و مسئله سرنگونی

علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرین رضانعلی، آذر ماجدی



لندن؛ شنبه 22 سپتامبر ساعت 18.00 عصر

St Mary's Hall, 30 Hendon Lane  
Finchley Central

\* نمایشگاه عکس، اسلاید شو، میز کتاب و نشریات

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد انگلستان

تلفنهای اطلاعات؛

سیروان قادری 07912689231 شماره نوری 07881726475

### موازین کار نشریه یک دنیای بهتر

\* نشریه یک دنیای بهتر هر هفته در 12 صفحه منتشر میشود.

\* هر مقاله سیاسی حداکثر دو صفحه نشریه را بخود اختصاص میدهد. بنابراین حجم مطالب باید حداکثر معادل سه صفحه ورد با فونت 14 باشد. ترجیح ما اینست که هر مطلب از یک صفحه نشریه بیشتر نباشد.

\* سردبیر در تلخیص، انتشار و یا رد مطالب آزاد است. هر مورد به اطلاع نویسنده میرسد.

\* مطالب منتشر شده در نشریه نظر نویسندگان آن را منعکس میکند و ضرورتاً موضع رسمی حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. مواضع رسمی حزب در اطلاعیه ها، قطعنامه ها، بیانیه ها و قرارها و یا از طریق ارگانهای حزبی انعکاس می یابند.

\* یک دنیای بهتر هدفش اینست بیشتر یک نشریه سیاسی - انتقادی - سازمانده باشد تا یک نشریه تئوریک - جدلی - آموزشی. اینگونه مطالب در بولتن مباحثات "کمونیسم کارگری" که ماهیانه منتشر میشود، چاپ میشوند.

با نشریه یک دنیای بهتر همکاری کنید.

کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوئیم این یک کار را بهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایده آل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبیح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادی اش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایده آل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد. منصور حکمت



به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای جامعه ای آزاد، برابر، و مرفه مبارزه میکند. ما در مبارزه خود به کمکهای مالی شما نیازمندیم.

Wells Fargo Bank,

Routing Number : 121 000 248

Account Number : 36 48 4688 52

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری بپیوندید!

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است! منصور حکمت

فرم تقاضای عضویت در حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱- نام و نام خانوادگی: (اسمی که با آن فعالیت سیاسی میکنید)

۲- سال تولد:

۳- چگونه با حزب آشنا شدید؟

تاریخ: امضا:

تلفن: ای میل:

\* سابقه تحصیلات، تسلط به زبانهای اروپایی، قابلیت های فنی و تخصص های حرفه ای:

\* شهر محل تولد و زندگی:

\* سابقه فعالیت سیاسی و متشکل:

## ستون آخر

علی جوادی

کمپین علیه اعدام،  
مرگ زویا؟! 

حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمپین گسترده ای را برای برچیدن بساط اعدام و چوبه های دار رژیم اسلامی تحت عنوان "کمپین علیه اعدام- علیه رژیم ۱۰۰۰۰۰ اعدام" در دستور خود قرار داده است. یک اقدام این کمپین دعوت از شخصیتها و سازمانهای مختلف مخالف اعدام و تلاش برای گسترش ابعاد این کمپین و فراتر بردن آن از یک کمپین با ابعاد سازمانی صرف و تبدیل آن به یک کمپین اجتماعی و گسترده است. در این چهارچوب تاکنون نیز پیشرفتهای معینی بدست آورده ایم. دوست عزیزم، اسماعیل نوری علاء، به این دعوت من پاسخی داده است. از نظر من این رفت و برگشت تلاشی برای مقابله با سنت دوری از تحزب کمونیستی است. در نامه ایشان آمده است:

**جناب علی جوادی، با سلام و تجدید عهد. چون نامه را به اسم من نوشته اید ناگزیرم جواب بدهم؛ هرچند که وقتی نامه همدردی در مرگ دخترتان را فرستادم خشکه تشکری هم به دستم نرسید.**

**من مسلماً با هر نوع وحشیگری قرون وسطانی مخالفم اما عهد**

**کرده ام با تشکیلات و احزاب سیاسی که نام و راه و روششان با فکر من نمی خواند در هیچ کاری هم کاسه نشوم.**

**اینجا جای پرداختن به نقد این مسائل نیست. کاش علی جوادی - یا هر کس دیگری - شخصاً به این کار سترگ اقدام می کرد تا می دید که چگونه همراهان بسیار می یابد. اما پیوندهای حزبی همه چیز را قربانی مصالح حزبی می کند. از اینکه دعوت یک دوست را رد می کنم متأسفم.**

**با مهر و دوستی، نوری علاء**

من دوست دارم از دوست گرامی ام، اسماعیل نوری علاء تشکر کنم. راستش از اینکه نتوانستم از ایشان و تک تک کسانی که در مرگ دختر عزیزم زویا با من ابراز همدردی کردند، شخصاً تشکر کنم، از همگان رسماً پوزش خواستم. توان احساسی پاسخ دادن به بیش از هزار نامه و ایمیل را واقعا نداشتم، نمیخواستم پاسخهای دست چین شده نیز بدهم. از این رو در اطلاعیه ای از همگان تشکر کردم. اما در اینجا دوست دارم یکبار دیگر از اسماعیل نوری علاء و همه عزیزانی که در این درد عمیق من شریک شدند، هم تشکر کنم و هم پوزش بخواهم.

من تردیدی ندارم که اسماعیل نوری علاء با اعدام و هر نوع وحشیگری قرون وسطایی مخالف است. اما مقابله با مجازات اعدام و کمپینی که

به این مناسبت اکنون در جریان است، محدود به حزب ما نیست. درست است که ما در این کمپین پیشقدم بودیم اما این حرکت امروز یک جنبش اجتماعی است. هر جریان و شخصیتی میتواند با ابزارها و ظرف سازمانی خود به این کمپین عمومی بپیوندد. تردیدی نیست که جنبش کمونیسم کارگری و حزب اتحاد کمونیسم کارگری در مبارزه برای آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و نقد مذهب و لغو مجازات اعدام و بسیاری عرصه های حقوق مدنی شهروندی همواره پیشقدم بوده است. در یک شرایط نرمال و متعارف سیاسی این تحرک جنبش ما باید باعث استقبال مدافعین حقوق مدنی و شهروندی شود و نه بر عکس. اگر شما و یا جریانات دیگر در این مبارزه پیشقدم شده بودید بدون تردید ما در گسترش و پیوستن به آن به خود تردیدی راه نمیدادیم. بر خلاف تصور ارائه شده پیوندها و مصالح حزبی ما عاملی برای محدود کردن فعالیت ما نیست، برعکس حزبیت ما نقطه قدرت جنبش ما و ابزاری برای مادیت بخشیدن به اهداف سیاسی و مطالبات اجتماعی مان است. نوری علاء عزیز من در ظرفیت شخصی هم از شما دعوت میکنم که سهم خودتان را امروز و در ادامه فعالیتهای تاکنونی تان در مبارزه برای لغو مجازات شنیع اعدام و برچیدن بساط اعدامهای اسلامی ایفا کنید. دستتان را میفشارم. هنوز دیر نشده است!

زویای عزیزم اگر زنده بود، علیرغم عدم تعلقش به حزب، مسلماً به این کمپین میپیوست. \*

اطلاعیه های این هفته حزب را در سایت مشاهده کنید؛  
\* به نجات ساکنین اردوگاه سازمان زحمتکشانش بشتابید!  
\* حتی برای نجات کودکان باید کل بساط اعدام را برچید!  
\* علیه رژیم صد هزار اعدام  
\* پیام به بازماندگان قربانیان رژیم صد هزار اعدام به مناسبت 10 اکتبر  
\* حکم اعدام سعید ماسوری لغو شد!

برنامه های تلویزیونی

## برای یک دنیای بهتر

**جمعه:** ساعات ۵ بعد از ظهر  
بوقت تهران

**یکشنبه:** ساعت ۱۲:۳۰  
ظهر بوقت تهران

## در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم.

لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

از سایت و وبلاک حزب دیدن کنید؛

[www.wupiran.com](http://www.wupiran.com)

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

<http://for-abetterworld.blogfa.com>

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

<http://www.m-hekmat.com/>

**سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**